

مقاومت در غرب آذربایجان



پیش گفتار / ۴

گروه تروریستی داعش در غرب آذربایجان واقعیت یا تخیل؟ / ۴

کانتون "سرو" در غرب آذربایجان کپی برداری از کانتون "کوبانی" / ۸

سیاست تنش‌زایی جمهوری اسلامی در منطقه و تأثیر آن بر آذربایجان / ۱۲

تحولات سوریه و خطر تروریسم پ.ک.ک در غرب آذربایجان / ۱۵

تورکیه نهدن پ.ک.ک ایله آتشکسه سون وئردی؟! / ۱۸

برگی از تاریخ / ۲۰

کردها اتنیکی فاقد دولت در منطقه هستند اما تأثیرات بسزایی در تحولات منطقه، طی سال‌های اخیر داشته‌اند. قرار گرفتن آنان در چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه موجب شده همواره تهدیدهای امنیتی را متوجه این کشورها کنند. مسئله کردها و اجزابشان چه در شاخه‌های نظامی و چه سیاسی همواره اهرم فشاری بوده که این دولت‌ها از آن علیه یکدیگر استفاده کرده‌اند. اما در این میان، مسئله کردها برای ترکیه به واسطه‌ی فاصله‌ی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که از دیگر کشورهای همسایه خود دارد از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

حمله آمریکا به عراق و عدم وجود دولت مرکزی مقتدر در این کشور وضعیت کردهای عراق را دستخوش تغییراتی نمود. تغییراتی که خودمختاری نسبی برای کردهای این کشور و پایگاهی امن برای گروه‌های تروریستی مستقر در سایر کشورها را به وجود آورد و این امر سبب تشدید بیش از پیش دست‌اندازی‌های فیزیکی و تبلیغاتی این گروه‌ها به مناطقی از این کشورها شد.

تحلیل گران مسائل خاورمیانه تشدید مجدد ناامنی‌ها در ترکیه و نقض آتش‌بس از سوی گروه تروریستی پ.ک.ک را ناشی از تحولات اخیر منطقه در نتیجه کارشکنی‌های برخی کشورها من‌الجمله ایران می‌دانند. با توجه به اوضاع نابسامان عراق و سوریه، وخامت اوضاع امنیتی و بی‌ثباتی حاکمیت این کشورها، مسئله استقلال کردهای عراق و نقش دوگانه و مبهم آمریکا در این قضیه، فعالیت‌های اخیر اسرائیل در شمال عراق و سوریه و نیز روابط آن با کردهای این مناطق و اجماع نیروهای داخلی ترکیه برای مقابله با پ.ک.ک جهت جلوگیری از اعمال کارشکنانه آنان در جهت تهدید امنیت و تغییر نقشه‌ی منطقه در بروز مجدد این تنش بی‌تأثیر نبودند.

تولد پدیده‌ی بهار عربی، ترکیه را به عنوان ایده‌دار عثمانی نوین وارد منازعات مخالفین و دولت‌های عربی کرد. از این منازعات می‌توان به عنوان نقطه‌ی تقلی در روابط ایران و ترکیه، دو ابر قدرت منطقه‌ای و داعیه‌دار حکومت اسلامی یاد کرد.

شرکت در منازعات بهار عربی، ترکیه و ایران را در راستای اهداف مشخصی در موازات یکدیگر قرار داده بود اما اشتراک منافع موجب تولد تضاد و تنش‌هایی گشت که در موضوع سوریه این دو را کاملاً در مقابل یکدیگر قرار داد. ایران به دلیل سرمایه‌گذاری‌های کلان در سوریه و نیز استفاده از این کشور در مقابل اسرائیل به عنوان اهرم فشار طبیعتاً سیاست حمایت از متحد خود، بشار اسد را در پیش گرفت و ترکیه نیز به دلیل حمایت‌های سوریه و ایران از پ.ک.ک و نیز تغییر حکومت علوی - شیعی بشار اسد در نقطه مقابل ایران ایستاد.

انتخابات اخیر ترکیه و راه یافتن حزب ج.د.پ به پارلمان ترکیه و اقدامات دولت رجب طیب اردوغان در احقاق حقوق قومی آنان وجهه‌ی دموکراتیک ترکیه را ترمیم و در واقع زنگ خطر

را برای ایران در برخورد با انتیک‌های داخل ایران به صدا درآورد. این عمل می‌توانست ترک‌های آذربایجانی را نسبت به احقاق حقوق پایمال شده‌ی خود ترغیب و مصرتر کند. مخصوصاً در برهه‌ای که کردهای ساکن ایران از امتیازاتی چون تحصیل به زبان مادری و تشکیل احزاب قانونی با محوریت قومیت‌ها بهره‌مند شده بودند و احساس تبعیض در آذربایجان نارضایتی‌های فراوانی را نسبت به سیستم حاکم ایران به وجود آورده بود. از این رو حکومت ایران با به کارگیری کارت بازی کرد، یعنی اهرم گروه‌های تروریستی کردی ترکیه را به میدان نبرد با پ.ک.ک کشاند تا ذهنیتی منفی از عملکرد دموکراتیک ترکیه مبنی بر ورود کردها به پارلمان ترکیه ایجاد کند. اما ترکیه با پیش‌دستی و بازی خوانی و اقدام به موقع توپ را در زمین گروه تروریستی پ.ک.ک و حامی سیاسی آن ح.د.پ انداخت و با بهره‌گیر یاز قدرت نظامی خود اقدام به بمباران پایگاه‌های این گروه تروریستی در کوه‌های قندیل عراق کرد.

نتیجه‌ی تحولات ترکیه و تنش‌های آن با تروریست‌های پ.ک.ک هرچه که باشد قطع به یقین مناسبات در غرب آذربایجان و سیر صعودی در حرکت ملی آذربایجان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. موفقیت نیروهای سیاسی کرد مبنی بر احقاق حقوق و حق تعیین سرنوشت می‌تواند آغازگر سیر تحولات جامع در منطقه گشته و انتیک‌ها را به سوی تشنج و حرکات رادیکال سوق دهد و منطقه را دچار ناامنی‌های فراوان کند اما حال که پیروزی دولت ترکیه و شکست گروهک‌های تروریستی کرد به حقیقتی واضح و مبرهن بدل گشته است چه خطراتی می‌تواند متوجه غرب آذربایجان و مناسبات حرکت ملی گردد.

استفاده‌ی ابزاری حکومت ایران از اقلیم کردستان عراق و نیز وابستگی این اقلیم به جمهوری ترکیه به سبب فروش نفت منطقه شمال عراق این اقلیم را مجبور به تظاهرسازی در مقابل گروه تروریستی پ.ک.ک می‌کند. مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق با هشدارهایی هرچند نرم خواستار خروج نیروهای گروه تروریستی پ.ک.ک از خاک این اقلیم شده است. نیروهای پ.ک.ک نیز به جهت حملات سنگین جمهوری ترکیه و نیز امتیازات سیاسی که حکومت ایران در اختیار آنان قرار داده است به سوی مرزهای غرب آذربایجان روانه شده‌اند.

حکومت ایران که همواره سیاست تشکیل زنجیره‌ی انسانی کرد با هدف تغییر بافت منطقه غرب آذربایجان و قطع ارتباط آذربایجان جنوبی با ترکیه را پیگیری کرده است، زمینه نفوذ و سکونت نیروهای تروریستی کرد اعم از پ.ک.ک و پژاک را در غرب آذربایجان فراهم می‌کند.

دنبال کردن این سیاست از سوی جمهوری اسلامی تاکنون خسارات جبران‌ناپذیری از جمله انسداد پایانه‌های مرزی، فرار سرمایه از منطقه غرب آذربایجان و نیز تغییر بافت جمعیتی منطقه را در پی داشته است. این سیاست جمهوری اسلامی زمینه رشد و نمو مافیای اقتصادی تروریستی را فراهم ساخته تا با در دست گرفتن نبض ترانزیتی منطقه، گروه‌های تروریستی کرد اقدام به ترانزیت کالای قاچاق، مواد مخدر، قاچاق انسان و نیز دیگر جرائم سازمان یافته نمایند.

حضور گروه‌های تروریستی کرد در غرب آذربایجان سبب شده تا دولت ایران همواره سیاست

مقاومت در غرب آذربایجان

سیاست تبعیض‌آمیز عدم توسعه، به بهانه‌ی نا امنی در غرب آذربایجان را پیگیری کند و موجبات مهاجرت اهالی بومی را فراهم ساخته و سبب تغییر بافت جمعیتی به نفع اقلیت مهاجر کرد نماید. تلاشی که امروز در منطقه‌ی مرزی سروی اورمیه را از یک منطقه ترک نشین به یک منطقه‌ی با اکثریت کرد تبدیل کرده است.

گروه‌های تروریستی کرد که تجربه‌ی ایجاد کانتون کوبانی را دارند این بار قصد دارند با استفاده کمک‌های لجستیکی، نظامی و سیاسی کشورهای هم‌چون ایران و آلمان که خصومت دیرینه‌ای را با ترک‌های منطقه دارند، کانتون سرو را ایجاد نمایند تا از این طریق بر کل منطقه‌ی غرب آذربایجان و جنوب شرقی ترکیه مسلط شوند.

در این جزوه سعی خواهد شد به تحلیل مناسبات منطقه، حضور نیروهای تروریستی کرد و داعش در غرب آذربایجان، تأثیرات ایجاد کانتون سرو بر آذربایجان جنوبی و ترکیه و راهکارهای پیش‌روی حرکت ملی آذربایجان در مواجهه با این تهدید پرداخته شود.

گروه تروریستی داعش در غرب آذربایجان و اقلیت یا تخیل؟

تقریباً از دو سال قبل اولین خبرها از حضور و فعالیت هواداران گروه تروریستی داعش در منطقه غرب آذربایجان و نقش ارگان‌های امنیتی ایران و ترردهای مشکوک از عراق بر خروجی برخی سایت‌های حرکت ملی آذربایجان نشست. در آن مقاطع افکار عمومی آذربایجان با توجه به تبلیغات دهن‌پرکن جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اشراف اطلاعاتی بر همه مخالفین و معارضین حضور و فعالیت هواداران تروریسم داعش را قبول نداشت و برخی از عناصر حرکت ملی نیز که گرفتار خود محوری و خود بزرگ بینی کذایی هستند سایت‌های مورد بحث را هدف شدیدترین حمله‌ها قرار دادند که گویا این سایت‌ها فضا سازی کرده و

....

از این موضوع تقریباً دو سال می‌گذرد با اینکه چشم‌های تیزبین برخی از گروه‌های سیاسی حرکت ملی آذربایجان تحرکات تروریسم کورد و تروریسم داعش در غرب آذربایجان را رصد می‌کند و هر از چندگاهی خبری مبنی بر حضور، تبلیغات و حتی درگیری مسلحانه هواداران تروریست داعش منتشر می‌شود، بایکوت شدید خبری جمهوری اسلامی ایران مانع از آن می‌شود که اکثر مردم آذربایجان از این واقعیت و مسائل پشت پرده آگاهی داشته باشند.

هفته گذشته خبر انهدام یک خانه تیمی هواداران یکی از گروه‌های سلفی سنی در یکی از روستاهای نزدیک شهر اورمیه و درگیری مسلحانه و دستگیری آنها بحث جدیدی را در محافل سیاسی حرکت ملی آذربایجان مطرح نمود که آیا حضور و فعالیت هواداران گروه تروریستی داعش واقعیت است یا تخیل؟

در حالی که منطقه غرب آذربایجان گرفتار غده سرطانی تروریسم کورد می‌باشد و خبرهایی از انسجام سیاسی و حضور برخی چهره‌های تروریست ارمنی لبنان در جلسه اقلیت مهاجر ارمنی ساکن شهر اورمیه و ایجاد پل‌های ارتباطی با تروریست‌های ارمنی لبنان (در نوشتارهای آتی به این خصوص پرداخت خواهیم نمود) فعالین حرکت ملی آذربایجان را با بحرانی جدید روبرو ساخته، تبلیغات محافل مذهبی سلفی و انسجام و تیم‌بندی نظامی هواداران تروریسم داعش در غرب آذربایجان صفحه‌ی جدیدی را پیش روی فعالین حرکت ملی و تشکیلات‌های سیاسی آن می‌گذارد که متأسفانه برخی از این تشکیلات‌ها و فعالین هنوز عمق بحران را باور نداشته و همچنان چرخه تکراری را تکرار می‌کنند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران که اقلیت مذهبی سنی در ایران تحت فشار و محدودیت شدید قرار گرفت جبهه گیری رهبران مذهبی جامعه اهل تسنن در غرب آذربایجان، کوردستان، الاهواز، بلوچستان و ترکمن صحرا در مقابل سرکوب‌های مذهبی مقامات ایران جدی‌تر و حمایت مراکز دینی و حکومت‌های سنی از اقلیت سنی و رهبرانشان بیشتر شد.

جمهوری اسلامی ایران و تئوریسین‌های سیاسی-امنیتی اش با کنترل، تعقیب، بازداشت، نفوذ و انحراف گروه‌های سلفی تلاش گسترده را برای مقابله با این گروه‌ها آغاز کرد اما سرکوب

مقاومت در غرب آذربایجان

های بی‌رحمانه اقلیت مذهبی اهل تسنن در بلوچستان، الاهواز، ترکمن صحرا و کوردستان و استراتژی‌های امنیتی غلط و بعضاً حمایت‌های مغرضانه محافل اطلاعاتی از این گروه‌ها برای تهدید جامعه ترک‌زبان آذربایجان طرح‌های کنترل مقامات ایران را با شکست مواجه ساخته و محافل سلفی توانستند از روستاهای ماکو تا دهات الاهواز جوانان اقلیت مذهبی سنی را با وعده‌های مذهبی جذب محافل خود کنند.

در این نوشتار به تحولات و اتفاقات مورد بحث در منطقه غرب آذربایجان می‌پردازیم که متأسفانه این بخش از سرزمین مادری‌مان را به تنور آتش نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند که مسئول اول این آتش‌افروزی مقامات سیاسی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که برای مقابله با گسترش جریان هویت‌طلبی و بیم از جمهوری تورکیه و جمهوری آذربایجان میدان فعالیت را برای عناصر تروریست کورد، محافل بی‌صدا اما خطرناک ارمنی در اورمییه و گروه‌های سلفی باز گذاشت تا در خیال خود ابزار فشار بر ملت آذربایجان و کشورهای تورک همسایه را در دست داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران با اجرای طرح‌های مختلفی موجب تغییر ترکیب جمعیتی غرب آذربایجان و افزایش لجام گسخته فعالیت مافیای مالی، سیاسی، فرهنگی هوادار گروه‌های تروریستی کورد در غرب آذربایجان گردید و در کنار آن حمایت جدی از گروه تروریستی پ.ک.ک و ایجاد کمپ‌های آموزشی-لجستیکی در ارتفاعات غرب آذربایجان منطقه را به سوی آتشی خانمان‌سوز سوق داد.

طراحان سیاسی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران امیدوار بودند و هستند که هر چقدر این منطقه فضای تروریستی حاکم باشد به طبع جامعه و توده به اتوریته حاکم نزدیک‌تر شده و کارتهای بازی حرکت ملی را از دستش خواهد گرفت و حتی سرمایه کلانی را برای تبلیغ و ترویج روحیه شیعه‌گری و برجسته نمودن جنگ چالدران اختصاص داد که نتیجه آن رشد وسیع هئیت‌ها و محافل شیعه‌گرا افراطی در غرب آذربایجان می‌باشد.

تأسف‌آورترین نقطه مسئله جذب تعداد زیادی از جوانان تورک سنی غرب آذربایجان توسط گروه‌های سلفی می‌باشد که باید اعتراف کنیم که از سهوهای فاحش فعالین حرکت ملی آذربایجان در چند سال اخیر می‌باشد. جامعه تورک‌های سنی منطقه غرب آذربایجان که از منسجم‌ترین جوامع منطقه بشمار می‌آیند و علایق بسیار شدیدی به هویت تورک و مذهب سنی دارند و رسالت خود را در حوادث تاریخی مشروطیت و جنایتهای درناک جیلوق و اسماعیل سیمکو نشان داده و همواره در صف اول مبارزه با متجاوزین بوده و در جبهه فرهنگی نیز چهره‌های محبوبی به ملت تورک آذربایجان اهدا نموده‌اند.

از سال‌های دور خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، روحانیون شیعه با افراطی‌گری کور موجبات سرکوب تورک‌های سنی در غرب آذربایجان را فراهم آوردند که ناخواسته آنها را به سوی روحانیون کورد سنی و جامعه اقلیت مهاجر کورد سوق داد زیرا در دیدگاه اول ارگان‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران انسان تورک سنی در مرحله اول یک سنی بوده و در مرحله دوم تورک و عامل تورکیه بشمار می‌آید. در اوایل دهه هشتاد نخبه‌گان حرکت ملی

آذربایجان با رویکردی نوین توانستند دیوار بی اعتمادی را در بین برادران تورک سنی ویران کرده و جریان هویت طلبی آذربایجان تا اعماق جامعه تورک‌های سنی منطقه نفوذ کرد اما با سرکوب نخبه‌گان و فعالین راستین حرکت ملی و جایگزین نمودن لایه‌ای دست آموز به ظاهر هویت طلب و تزریق آن به بطن حرکت ملی فاصله‌ای کنترل شده و هدفدار بین نخبه گان و توده ایجاد شد و بحث تئوری نزدیکی به برادران تورک سنی جای خود را به پمپاژ شیعه‌گری در حرکت ملی داد.

حاشیه عقیدتی حوادث خونین و جنگ نیابتی حکومت‌های غیرمردمی سنی و شیعه در سوریه، عراق، پاکستان، لبنان، افغانستان و یمن به مناطق مختلف سنی‌نشین ایران نیز رسیده و سلفی‌های سنی با ایجاد محافل مختلف جوانان سنی را به سوی اردوگاه گروه تروریستی داعش و سایر گروه‌های سلفی ارسال می‌کنند. در مناطق الاهواز، بلوچستان و کوردستان تبلیغات روحانیون سلفی برای مقاومت بیشتر جوانان در مقابل افراطی‌گری‌های نظام شیعه‌گرای جمهوری اسلامی وجهه ملی‌گرایی نیز به خود گرفته و جنبش‌های ملی‌گرای این مناطق با عقاید مذهبی اجین شده‌اند.

در مناطق غرب آذربایجان به دلیل اینکه مراکز مذهبی سنی تحت کنترل روحانیون کورد می‌باشد تبلیغات مذهبی سلفی روحانیون به نفع گروه‌های تروریستی سلفی کورد رقم می‌خورد و مافیای سیاسی-مالی هوادار گروه تروریستی پ ک ک نیز به نحو احسن از این موضوع بهره برداری سیاسی می‌کند.

سخن کوتاه اینکه ملت تورک آذربایجان به واسطه بازی‌های کلان جهانی و سیاست‌های دشمنانه تهران در مقابل تورک‌های آذربایجان در منطقه غرب آذربایجان با غده‌های تروریستی:

۱ - گروه تروریستی پ.ک.ک و رهبری آن در قندیل همراه و همگام با جمهوری اسلامی ایران بوده و حمایت‌های لجستیکی، مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران حالت آشکار به خود گرفته و ارتفاعات شهرهای تورک نشین غرب آذربایجان به مأمّن این گروه تروریستی تبدیل شده است.

۲ - گروه‌های تروریستی پژاک و کومله و دمکرات کوردستان که با تخیلات واهی و ادعاهای ارضی برای غرب آذربایجان ظاهراً با جمهوری اسلامی ایران در مبارزه هستند ولی قربانی آنها سربازان و افسران تورک زبان و مناطق عملیاتی شان مناطق غرب آذربایجان می‌باشد.

۳ - گروه‌های سلفی که اخیراً سازماندهی، تسلیح و ارتباط ارگانیک با داعش و محافل سلفی کشورهای حوزه خلیج فارس ایجاد کرده‌اند که متأسفانه آن گونه که اشاره کردیم برخی از جوانان تورک سنی نیز در صف این جریان قرار گرفته‌اند.

۴ - گروه تروریستی و به شدت مخفی و خطرناک آسلا اقلیت ارمنی غرب آذربایجان می‌باشد که تاکنون توانسته است خود را در پس پرده همکاری‌های امنیتی و نظامی کشور اشغال‌گر ارمنستان و جمهوری اسلامی و حاشیه‌های امنیتی وزارت اطلاعات بی‌سر و صدا و دور از چشم ارگان‌های امنیتی ایران در بین جوانان اقلیت ارمنی مناطق غرب آذربایجان

مقاومت در غرب آذربایجان

می باشد که تاکنون توانسته است خود را در پس پرده همکاری‌های امنیتی و نظامی کشور اشغال‌گر ارمنستان و جمهوری اسلامی و حاشیه‌های امنیتی وزارت اطلاعات بی‌سر و صدا و دور از چشم ارگان‌های امنیتی ایران در بین جوانان اقلیت ارمنی مناطق غرب آذربایجان سازماندهی نمایند.

این واقعیت‌هایی هست که متأسفانه گریبان‌گیر ملت تورک آذربایجان جنوبی شده و هر کدام از این جریان‌های تروریستی تحت حمایت‌های مغرضانه جمهوری اسلامی و بازیگران سیاسی منطقه و جهان شبانه و روز در حال تقویت مالی - انسانی و سازمانی خود برای روزهای بحرانی می باشند تا سهمی از اراضی تاریخی ملت تورک آذربایجان را نصیب خود کنند و با کمال تأسف در این میان تنها نیروهای سیاسی حرکت ملی آذربایجان می‌باشند که یا به دلیل سرکوب‌های جمهوری اسلامی ایران منفعل شده و یا این واقعیت‌ها را تخیل قلمداد کرده و بعضاً نیز نیروهایی را که در مقابل توطئه‌های تروریسم افشاگری و مبارزه می‌کنند با تهمت‌ها و تخریبات مختلف منفعل می‌کنند.

هر چقدر هم بعضی از آقایان قبول نداشته باشند حضور و فعالیت هواداران گروه‌های سلفی و عناصر گروه تروریستی داعش در غرب آذربایجان واقعیتی انکارناپذیر می‌باشد که هوشیاری جدی نیروهای حرکت ملی آذربایجان را از هم اکنون می‌طلبد. خصوصاً تشکیلات‌های حرکت ملی آذربایجان می‌بایست به صورت جدی بار دیگر استراتژی نزدیکی و جذب جوانان تورک سنی ساکن در مناطق غرب آذربایجان را به شدت ادامه داده و پل ارتباطی عقیدتی با کشورهای تورک سنی و محافل مذهبی آنها برقرار نمایند تا توطئه‌های مختلف در غرب آذربایجان را خنثی کنند و از طرفی نیز سیاست جدایی بین تورک‌های شیعه آذربایجان جنوبی و تورک‌های سنی جمهوری تورکیه را که از طرف جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود عقیم سازند.

برگرفته از وبسایت خبری اؤیرنجی سسی

WWW.OYRENCI-SESI.INFO/YENI/20471

کانتون "سرو" در غرب آذربایجان کپی برداری از کانتون "کوبانی"

قریب به یک قرن است که تجزیه اراضی تاریخی کشورهای ترک‌زبان و ایجاد دیوار حائل بین جوامع ترک‌زبان از سیاست‌های بارز امپریالیسم روس و کشورهای اروپایی برای مقابله با هرگونه نزدیکی و قرابت جوامع ترک هست. در این راستا افراطیون ارمنی، فارس و کرد به عنوان ابزار دول غربی و امپریالیسم روس نقش بسیار جدی را برعهده داشته و پس از ایجاد کشور ارمنستان در قلب اراضی تاریخی آذربایجان و جدایی شمال آذربایجان با ترک‌های آناتولی، عشایر مهاجر کرد با سیاستی حساب‌شده در اراضی تاریخی ترکمن‌های عراق، ترکمن‌های سوریه و جمهوری ترکیه سکنی گزیدند.

آذربایجان جنوبی نیز با پتانسیل بسیار بالای جمعیتی و شعور انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی گزینه بسیار خطرناکی از باب نزدیکی ترک‌های آذربایجان جنوبی و ترک‌های آناتولی به شمار می‌آید. بنابراین تغییر ترکیب جمعیتی بین مرزهای آذربایجان جنوبی و جمهوری ترکیه به عهده حاکمان سیاسی تهران و گروه‌های تروریستی کرد گذاشته شد.

در پنجاه سال اخیر شاهد تغییرات بسیار جدی در ترکیب جمعیتی در غرب آذربایجان خصوصاً مرزهای آذربایجان جنوبی و جمهوری ترکیه هستیم، از مرز نخجوان تا مرز عراق عشایر مهاجر کرد با سیاست اسکان عشایر خصوصاً در نظام جمهوری اسلامی ایران در مناطق مرزی آذربایجان جنوبی و جمهوری ترکیه ساکن شده و تسهیلات بانکی با سود بسیار پایین برای رونق کشاورزی و دامداری در اختیار این عشایر قرار گرفت و درعین حال بازارچه‌های مرزی و خدمات درمانی و بیمه روستایی عشایر را برای اسکان و ایجاد روستاهای مرزی جدید تشویق نمود.

شهرک "سرو" با اکثریت مهاجر کرد در پنجاه سال گذشته با اسکان عشایر کرد ترکیب جمعیتی‌اش را از ده کوچک ترک‌نشین به روستای بزرگ کردنشین از دست داده و در سی سال گذشته پیرو سیاست‌های ضد ترک جمهوری اسلامی ایران به مرکز اسکان تروریست‌های پ.ک.ک تبدیل و در چند سال گذشته نیز به شهر مرزی تبدیل شده است.

زمانی که گروه‌های کرد معارض جمهوری اسلامی ایران در ارتفاعات این مناطق جولان می‌دادند، جمهوری اسلامی ایران با ایجاد کمپ‌های آموزشی و قرارگاه عملیاتی برای حزب دمکرات کردستان عراق و گروه تروریستی پ.ک.ک سعی نمود کنترل این گروه‌ها و مرزهای غرب آذربایجان را به دست گیرد. از اهداف این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- ایجاد دیوار حائلی مستحکم با مرکزیت سرو بین ترک‌های آذربایجان جنوبی و جمهوری ترکیه

۲- اعزام پیش‌مرگان حزب دمکرات کردستان عراق برای ضربه زدن به ارتش بعثی عراق در زمان جنگ ایران و عراق

۳- مقابله با مخالفین مسلح کرد جمهوری اسلامی به یاری پیش‌مرگان کرد عراق

مقاومت در غرب آذربایجان

۴ - پیشبرد اهداف مداخله‌جویانه در امور داخلی جمهوری ترکیه با حمایت از گروه تروریستی پ.ک.ک

۵ - اشراف کامل به ترانزیت مواد مخدر - قاچاق انسان به ترکیه و کشورهای اروپایی در سی سال گذشته روستاهای ترک‌نشین به فاصله پنجاه کیلومتری شهرک "سرو" با شهر اورمیه که اکثراً متشکل از ترک‌های سنی بود به آرامی و با سیاست مودیان به روستاهای کردنشین تبدیل شد و مافیای اقتصادی و سیاسی هوادار تروریسم کرد به یاری حامیان خود در تهران توانست ده‌ها روستای چند خانواری جدید را نیز در منطقه برپا کنند که بسیاری از آن‌ها متشکل از آوارگان کرد جنگ ایران-عراق، جنگ اول خلیج فارس و خانواده تروریست‌های پ.ک.ک می‌باشند که در جمهوری ترکیه و یا قندیل مشغول عملیات تروریستی هستند. این خانواده‌ها اکثر دارای دو شناسنامه عراقی و یا ترکیه بوده و از طرف طراحان سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران و رهبران گروه‌های تروریستی آماده بهره‌برداری در هر بحران منطقه‌ای می‌باشند.

همزمان با تحولات عراق و سوریه و آغاز جنگ نیابتی کشورهای منطقه و جهان در این دو کشور گروه‌های تروریستی کرد به امید ایجاد کشور کردستان تلاشی جدی برای اشغال و تسلط بر مناطق مختلف را آغاز کرده‌اند. در شمال عراق خاندان بارزانی توانست به یاری اسرائیل، نفت و قتل‌عام و اخراج ترکمن‌های شمال عراق و منفعل نمودن سایر گروه‌های کرد قدرت سیاسی و امنیتی را به دست گیرد، در سوریه تروریست‌های پ.ک.ک به یاری کشورهای اروپایی و بشار اسد و جمهوری اسلامی ایران مناطق مرزی سوریه و ترکیه را به اشغال خود درآورده به گفته خودشان کانتون‌های مختلفی که زمینه ایجاد کشوری مستقل هست را ایجاد کردند و در این پروسه از کشتار و قتل‌عام ترکمن‌های سوریه نیز ابا نکردند.

با این وضعیت ارتباط سیاسی-معنوی ترکمن‌های سوریه و عراق با جمهوری ترکیه قطع و به حالت بسیار ضعیفی درآمد. در طرف دیگر نیز کشور ارمنستان که مأمّن اصلی رهبران تروریست‌های پ.ک.ک هست همچو دیواری بین باکو و آنکارا کشیده شده است. در این شرایط آخرین پازل تجزیه و محاصره کشورهای ترک‌زبان منطقه با استارت پروژه "سرو" به مرحله تکمیلی خود نزدیک می‌شود. گروه‌های تروریستی کرد و طراحان سیاسی و امنیتی آن‌ها در تهران و شمال عراق و چه‌بسا مسکو و تل‌آویو برای نیل به اهداف بلندمدت خود و تهیج روحیه جوانان کرد شهرک مرزی کوبانی را به کعبه مقدس جوانان کرد تبدیل کردند. شاخه‌های فرهنگی و تبلیغی گروه‌های تروریستی کرد برای استحکام پایه‌های اشغال مناطق ترکمن نشین سوریه بعد از تصرف کوبانی توسط گروه تروریستی داعش این شهر را معبد مقدس ملت کرد عنوان کرده و در این راه حتی دختران کرد را بالباس‌های چریکی و سلاح‌های تزئینی روانه شهر کوبانی کردند تا روحیه جوانان کرد را تحریک کنند که متأسفانه بسیاری از این دختران معصوم گرفتار تروریست‌های وحشی داعش شده و ناموس ملت کرد نیز لکه‌دار شد.

کوبانی یا همان عین‌العرب به یاری رسانه‌های غربی و دستگاه تبلیغی طراحان امنیتی

مقاومت در غرب آذربایجان

چنان به سمبل شرافت ملی کردها تبدیل شد که حتی خود گروه‌های تروریستی نیز این دروغ را باور کردند. چنانکه به هوس ایجاد کانتون‌های جدید در اراضی تاریخی ترکمن‌های سوریه افتادند تا ضمن گسترش اراضی تحت کنترل خود ارتباط میلیون‌ها ترکمن سوری را با ترکیه قطع کنند، که نمونه بارز آن تل ابیض بود.

حال گروه‌های تروریستی کرد که شیرینی کانتون کوبانی زیر زبانش درآمده در غرب آذربایجان در حال آماده‌سازی اذهان اقلیت مهاجر کرد برای ایجاد کانتون سرو می‌باشند. تیم‌های فرهنگی و دانشجویی گروه‌های تروریستی کرد با انتشار سی‌دی، کتاب، نشریه و شب‌نامه در حال شبیه‌سازی شهرک "سرو" به‌عنوان کانتون سرو به‌اصطلاح در شرق کردستان می‌باشند تا اگر روزی گروه تروریستی پژاک نقش گروه تروریستی پی‌دی‌دی در منطقه بازی کرد ضمن قطع ارتباط ترک‌های آذربایجان جنوبی و جمهوری ترکیه جوانان بدبخت کرد را برای عملیات انتحاری برای به‌اصطلاح نجات شهر سرو آماده سازند و با این تخیلات در حال آماده‌سازی افکار عمومی جوانان کرد و مقدس سازی شهر سرو می‌باشند.

البته شباهت‌های بسیاری بین شهر کوبانی سوریه و شهرک سرو در مرزهای آذربایجان جنوبی و جمهوری ترکیه هست که گروه‌های تروریستی به‌راحتی می‌توانند کوبانی سازی کنند، اما معادلاتی هست که تروریست‌های کرد از آن غافل‌اند که می‌تواند منطقه را به گورستان تروریست‌ها تبدیل کند.

جمهوری اسلامی ایران برای روزهای بحرانی و کنترل پتانسیل عظیم ترک‌های آذربایجان جنوبی و درعین حال فشار به جمهوری ترکیه دکترین مختلفی را در آرشو دارد که یکی از آن‌ها تقویت تروریست‌های پ.ک.ک در مقابل جمهوری ترکیه هست که با تمام توان در حال اجرای آن می‌باشد و در سوی دیگر واگذاری قسمتی از اراضی غرب آذربایجان به تروریست‌های کرد تا ملت ترک آذربایجان را با آن‌ها مشغول سازد تا جریان هویت طلبی پتانسیل خود را معطوف منطقه غرب آذربایجان سازد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران همچو بشار اسد از کارت تروریسم خود علیه ترک‌های آذربایجان جنوبی استفاده می‌کند.

شهرک "سرو" تنها نقطه‌ای هست که اقلیت مهاجر کرد در آنجا اکثریت قاطع داشته و اطراف شهرک را روستاهای کردنشین احاطه کرده است تردد بسیار آسان کردهای جمهوری ترکیه نقطه قوتی دیگر برای تروریسم کرد شناخته می‌شود. تروریسم کرد به‌خوبی می‌داند که در هر بحرانی اگر بتواند گذرگاه منطقه سرو را کنترل کند بخش عظیمی از ارتباط جمهوری ترکیه با ترک‌های آذربایجان قطع خواهد شد، اشراف ارتفاعات منطقه سرو به شهر اورمیه از ابعاد نظامی دست بالایی را در اختیار تروریست‌های کرد گذاشته و از سویی نیز حاشیه شمالی شهر اورمیه که اقلیت مهاجر کرد در آنجا ساکن می‌باشند می‌تواند پل ارتباطی بسیار خوبی برای گروه‌های تروریستی کرد به شمار آید. منطقه سرو و ارتفاعات آن راه‌های ارتباطی خوبی تا مرز عراق برای تروریست‌ها ایجاد می‌کند تا ترانزیت نیرو و سلاح را به‌راحتی انجام دهند.

مقاومت در غرب آذربایجان

اشغال یک شهرک در منطقه غرب آذربایجان توسط ترویست‌های کرد در روزهای بحرانی موفقیت روانی و سیاسی و استراتژیکی بسیاری را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد و شهر سرو و ایجاد کانتون سرو از هم‌اکنون نقل محافل هواداران تروریسم کرد شده و متأسفانه ارگان‌های امنیتی به دلایل مختلف نه تنها چشم به تبلیغات زیرکانه آن‌ها بسته، بلکه این تبلیغات را پمپاژ می‌کنند و بدبختانه نیروهای بومی شاغل در ارگان‌های انتظامی، امنیتی، نظامی و قضایی که می‌بایست در قبال دفاع از خاک مادری خود حساس باشند چشم و گوش بسته فرمان‌ها تئوریسین‌های شوونیسم فارس را اجرا می‌کنند.

با همه این برتری‌های استراتژیک و دکترین روزهای بحرانی جمهوری اسلامی، رهبران تروریسم کرد عنصر اصلی برتری نیروی انسانی و عقیده نظامی و احساسات ملی ترک‌های آذربایجان را نادیده گرفته و غافل از اراده پولادین فعالین حرکت ملی آذربایجان می‌باشند. رهبران تروریسم کرد به‌اشتباه ترک‌های آذربایجان جنوبی را با ترکمن‌های سوریه و عراق مقایسه می‌کنند و این در حالی است که برتری‌های سیاسی، نظامی و جمعیتی ترک‌های آذربایجان بسیار فراتر از چند هزار تروریست مسلح به سلاح‌های سبک و نیمه سنگین است. شاید این آنالیز برای بسیاری تعجب‌برانگیز باشد ولی محافل امنیتی-اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران دکترین گوناگونی را بر روی میز داشته و رهبران تروریسم کرد نیروهای خود را برای چنین روزی توجیه سیاسی-ملی کرده و گروه‌های تبلیغی و دانشجویی آن‌ها در قالب‌های مختلف حتی تیم‌های کوهنوردی و ورزشی جلسات توجیهی رده‌های پائین جامعه اقلیت مهاجر کرد را بانام “کانتون سرو” آغاز کرده‌اند و برای انتخابات مجلسی پیش روی نیز عناصری از این منطقه را کاندیدای نمایندگی کرده‌اند که مورد حمایت شدید حکومت مرکزی ایران می‌باشد.

در پایان سخن با توجه به داده‌ها و فاکتورهای مختلف به مغزهای متفکر دکترین بحران جمهوری اسلامی و رهبران تروریسم کرد در قنديل و اربیل می‌گوییم که آزمودن یک تجربه شکست‌خورده در سولدوز اشتباه بزرگی بوده و اقلیت مهاجر کرد در غرب آذربایجان را به قهقرا خواهد کشید و سرو هیچ‌وقت به کوبانی تبدیل نخواهد شد.

برگرفته از وبسایت خبری اؤیرنجی سسی

WWW.OYRENCI-SESI.INFO/YENI/20395

سیاست تنش‌زایی جمهوری اسلامی در منطقه و تأثیر آن بر آذربایجان

تروریسم واژه‌ای است که آذربایجان سال‌هاست با آن آشنایی دارد و زخم‌های عمیقی از آن خورده است. اگر به نیم‌قرن اخیر نگاهی بیندازیم به این امر واقف خواهیم بود. قتل‌عام‌های حزب تروریستی داشناکسیون در قاراباغ، قتل‌عام‌های حزب دموکرات کردستان در سولدوز و غرب آذربایجان، ترورها و کشتار غیرنظامیان تورک در شهرهای آذربایجان غربی توسط گروه‌های تروریستی کرد اعم از کوموله، حزب دمکرات، پژاک و پ.ک.ک، گواهی بر این ادعاست.

تروریسم کرد که از ۱۰۰ سال پیش در غرب آذربایجان فعال است در این برهه‌ی زمانی به شکلی نوین و البته بسیار خطرناک خود را نمایان می‌کند و اهداف شوم و تروریستی خود را به پیش می‌برد. تحولات چند سال اخیر منطقه و حمایت‌های حاکمیت ایران از بشار اسد و نیز دخالت در امور عراق باعث قدرت یافتن گروه‌های تروریستی در این مناطق شده است. گروه تروریستی بنیادگرای داعش و گروه‌های تروریستی کرد با استفاده از خلع حاکمیت مقتدر در عراق و سوریه با حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم ایران، منطقه را با چالش بسیار جدی روبرو ساخته است. حکومت ایران با دنبال کردن سیاست تنش در منطقه سعی دارد پایه‌های قدرت خود در منطقه را محکم‌تر کند و در این راه از ایجاد هیچ تنش‌ی در کشورهای همسایه و صد البته در داخل کشور عبایی ندارد.

کشور ترکیه به عنوان رقیب اصلی ایران در امور اقتصادی، منطقه‌ای و دینی سال‌هاست که خود را از رده‌ی کشورهای جهان سومی جدا کرده و در حال جای‌گیری در صف کشورهای صنعتی جهان است. افزایش روز افزون نفوذ ترکیه در منطقه باعث شده ایران از سوی این رقیب دیرین خود احساس خطر نماید و سعی در به چالش کشیدن امنیت این کشور دارد. حاکمت ایران برای نیل به این هدف، گروه تروریستی پ.ک.ک را ابزار دست خود کرده است و با ایجاد ناامنی در مناطق مختلف ترکیه سعی دارد امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ترکیه را زیر سؤال برد و نیز از نفوذ این کشور در میان کشورهای خاورمیانه بکاهد.

سؤال اینجاست چه جریان‌هایی از سوی ترکیه حاکمیت ایران تهدید می‌کند؟ آرایش ایران در مقابل این تهدیدات چگونه است؟ حاکمت ایران چگونه سیاست تنش خود را در منطقه پیش می‌برد؟ تأثیرات سیاست تنش جمهوری اسلامی بر آذربایجان جنوبی چیست؟

از زمان آغاز پروسه‌ی صلح در ترکیه، کردهای این کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به موفقیت‌های روز افزونی دست یافتند و دولت ترکیه نیز با ایجاد امنیت کامل در منطقه جنوب شرق این کشور به پیشرفت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگی رسید. از جمله دست‌آوردهای پروسه صلح در ترکیه برای کردها می‌تواند به قانونی شدن تدریس زبان کردی در مدارس و دانشگاه‌ها، ایجاد رادیو و تلویزیون کردی، افزایش سرمایه‌گذاری های کلان اقتصادی در مناطق کردنشین و مهم‌تر از همه راه‌یابی حزب

مقاومت در غرب آذربایجان

HDP به مجلس ملی ترکیه و شرکت در تشکیل دولت این کشور اشاره نمود. در نقطه‌ی مقابل نیز دولت ترکیه با سیاست‌های راهبردی خود نفوذ چشمگیری هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی در خاورمیانه داشت که این امر موجب نارضایتی شدید ایران می‌شد، زیرا با نفوذ ترکیه از قدرت ایران در منطقه کاسته شده و ایران پایگاه‌های منطقه‌ای خود را یکی پس از دیگری زیر نفوذ ترکیه و از دست رفته می‌دید. حاکمت ایران از این رو سعی کرد با پیگیری سیاست تنش‌زایی در ترکیه مانع از نفوذ این کشور در منطقه شود. سرآغاز این تنش‌زایی با جنجال آفرینی ایران در قضیه عین‌العرب (کوبانی) شروع شد و با حمایت مستقیم دولت ایران کردهای ساکن ترکیه و ایران در شهرهای مختلف علیه دولت اردوغان دست به تظاهرات خیابانی زده و پرچم ترکیه را به آتش کشیدند. این برنامه در غرب آذربایجان و مخصوصاً شهر اورمیه که اهمیت استراتژیکی میان جوامع ترک دارد نیز پیگیری شد و با حمایت مستقیم پلیس ایران اقلیت مهاجر کرد و هواداران گروه‌های تروریستی در این شهر تظاهرات اعتراضی نسبت به ترکیه برگزار نمودند.

با گذشت زمان ایران با پ.ک.ک و دیگر گروه‌های تروریستی وابسته به پ.ک.ک وارد مذاکره شد تا از این طریق بتواند با دادن امتیازات سیاسی و پشتیبانی لجستیکی پ.ک.ک را برای آغاز جنگی دوباره در ترکیه قانع کند. سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی برون مرزی سپاه قدس ایران با حضور در کوهستان قندیل و دیدار با سران پ.ک.ک قول همکاری از آنان را گرفت. گواه این ادعا را می‌توان در مصاحبه اخیر عثمان اوجالان برادر عبدالله اوجالان یافت. وی در مصاحبه خود با نشریه چشم‌انداز ایران از دولت ایران به جهت کمک به این گروه تروریستی تشکر و قدردانی می‌نماید. پس از این دیدارها بود که گروه تروریستی پ.ک.ک با برگزاری میتینگ‌های مختلف در داخل و خارج از ترکیه هر روز دولت اردوغان را تهدید می‌کرد. در آخرین مورد از این میتینگ‌ها هواداران پ.ک.ک با برگزاری میتینگ در شهر سورج سعی داشتند خود را از طریق مرز مرشدپینار به خاک سوریه رسانده و به صفوف پ.ک.ک بپیوندند که با انفجار در محل میتینگ و حمله گروه تروریستی پ.ک.ک به دو نظامی ترک و شهادت آنان، پیمان آتش بس از سوی این گروه تروریستی شکسته شد. در پی به شهادت رسیدن دو سرباز ترک، دولت و ارتش ترکیه وارد فاز عملی مبارزه با گروه تروریستی پ.ک.ک شد.

پس از آغاز عملیات هوایی توسط دولت ترکیه بر علیه پ.ک.ک، دولت ایران به هدف خود که همان به جنگ کشاندن ترکیه با پ.ک.ک و لغو پیمان صلح میان نیروهای متخاصم بود، رسید. دولت ایران با مانور سیاسی و رسانه‌ای در مدت درگیری‌های ترکیه با پ.ک.ک هر روز سعی می‌کند مقصر این جنگ را دولت ترکیه نشان دهد. در فضای رسانه‌ای جمهوری اسلامی و نیز رسانه‌های اپوزسیون فارس زبان با پخش گزارش‌های تصویری مختلف سعی می‌شود از گروه تروریستی پ.ک.ک چهره‌ای موجه و مطهر ارائه شود. در راستای مانورهای سیاسی نیز وزیر کشور ایران، آقای رحمانی فضل‌ی با سفر به غرب آذربایجان و حضور در کوهستان قندیل به نوعی به ترکیه دهن کجی سیاسی کرده و از

مقاومت در غرب آذربایجان

امنیت مرزهای ایران تعریف و تمجید نمود. اما این موضوع در حالی رخ می‌دهد که توافقات دولت ایران با پ.ک.ک بر علیه ترکیه مانع از انجام عملیات توسط گروه‌های تروریستی در مرزهای ایران می‌شود. از امتیازاتی که گروه تروریستی پ.ک.ک در این میان از ایران گرفته است می‌توان به مستقر شدن در بخش ایرانی کوهستان قندیل جهت در امان ماندن از حملات ترکیه، پشتیبانی نظامی و لجیستیکی ایران از پ.ک.ک در عملیات‌های این گروه علیه ترکیه، ارائه خدمات درمانی و بهداشتی به افراد زخمی این گروه در بیمارستان‌های ایران و آزادسازی مسیر رفت و آمد گروه‌های تروریستی کرد به داخل خاک ترکیه از ایران، اشاره کرد.

اما در این میان موضوعی که بشدت باید آن را زیر ذربین قرار داد تأثیرپذیری غرب آذربایجان از اتفاقات منطقه است. حضور نیروهای تروریستی پ.ک.ک و پژاک در مرزهای آذربایجان غربی و تسلط نسبی آنان بر این مرزها بزرگترین خطری است که غرب آذربایجان را تهدید می‌کند. گروه‌های تروریستی کرد با سازماندهی و حضور در مرزهای غرب آذربایجان مترصد رسیدن فرصت مناسب جهت اشغال نظامی غرب آذربایجان هستند. این گروه‌ها گرچه در ظاهر با دولت ایران به توافق رسیده‌اند اما با تضعیف دولت مرکزی ایران در اولین فرصت ممکن سرازیر شهرهای آذربایجان غربی خواهند شد و این امر را می‌توان ناشی از سهل انگاری دولت ایران و به نوعی وجه المصلحه قراردادن آذربایجان در معادلات سیاسی منطقه عنوان کرد.

بر گرفته از وبسایت خبری اوپرنجی سسی

WWW.OYRENCI-SESI.INFO/YENI/20575

تحولات سوریه و خطر تروریسم پ.ک.ک در غرب آذربایجان

از زمانی که اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم سوریه از سوی بشار اسد با "سرب داغ" پاسخ داده شد، تقریباً تمامی تحلیلگران پیش‌بینی می‌کردند که روند این تحولات در سرایشی جنگ داخلی خواهد بود؛ اما کمتر کسی انتظار قتل‌عام‌های دسته‌جمعی، فجایع انسانی و بمباران مناطق مسکونی آن‌هم به صورت کور و بدون هدف از سوی رژیم سوریه را داشت. اما در عمل مشاهده شد که رژیم بشار اسد صرفاً به خاطر حفظ قدرت هر آنچه در توان دارد به معنای واقعی انجام خواهد داد لیکن بیشتر از آن را هم در صحنه عمل به انجام رسانید. از کشتار گسترده زندانیان بدون محاکمه گرفته تا فضل و بخشش بخش‌های بزرگی از سوریه از جمله مرز سوریه و عراق و شهر رقه به گروه تروریستی "داعش". از پرتاب بمب‌های دست‌ساز بشکه‌ای بر روی شهر باستانی حلب گرفته تا واگذاری شمال سوریه به گروه تروریستی "پ ی د" (شاخه پ.ک.ک در سوریه).

در شمال سوریه چه خبر است؟

گرچه از نظر انسانی جنایات بشار اسد در سوریه به همه ما مربوط می‌شود اما آنچه از نزدیک مردم آذربایجان جنوبی و به خصوص مردم غرب آذربایجان را متوجه خود می‌سازد مسائل جاری در شمال سوریه است. درست در جایی که شاخه سوریه‌ای گروه تروریستی پ.ک.ک در آنجا اقدام به تأسیس دولتک‌هایی به نام "کانتون" نموده و مدل "خودمدیریتی دموکراتیک" را برای آن برگزیده است. گرچه تاریخ تأسیس گروه "پ ی د" به قبل از رویدادهای سوریه برمی‌گردد اما در آن زمان عملاً این گروه فقط بر روی کاغذ وجود خارجی داشت اما پس از شروع جنگ داخلی سوریه، رژیم اسد برای ایجاد جبهه‌های جدید مقابل مخالفان همچنین ایجاد منطقه‌ای برای تهدید ترکیه، مناطق شمالی سوریه از جمله شهرهای قامیشلو، حسکه، اعزاز و در نهایت عین العرب (کوبانی) را بدون درگیری به این گروه تحویل داده و خود فقط در پادگان‌ها و اداره‌های دولتی مستقر شد. "پ ی د" نیز با معتنم شمردن فرصت دست به برپایی مناطق خودمختار زد. بر اثر همین روند این گروه پس از آن قدرت گرفت که "فحمان حسین" یکی از فرماندهان پ.ک.ک با حدود صد نفر از اعضای سوری الاصل گروه پ.ک.ک به شمال سوریه رفت و اقدام به سازمان‌دهی، آموزش و تسلیح پ ی د نمود. پس از آن بود که "پ ی د" اقدام به تسویه دیگر گروه‌های کردی از جمله "جبهه الاکراد" که نزدیک به ارتش آزاد سوریه بود نمود.

خطرات پ.ک.ک برای غرب آذربایجان

حال سؤال اینجاست که از چه طریقی این تحولات غرب آذربایجان را تهدید می‌کند؟ بر کسی پوشیده نیست که گروه تروریستی پ.ک.ک خیال تأسیس کردستان بزرگ را در سر می

پروراند. این گروه برای تحقق خیال خود دست به اقدامات وسیعی تر در عراق، سوریه و ترکیه زده است. همچنین این گروه تروریستی شاخه‌ای به نام پژاک در داخل خاک ایران و غرب آذربایجان دارد. پژاک نیز همچون "پ ی د" ریز شاخه‌ای از گروه تروریستی پ.ک.ک است که برای فعالیت در ایران تأسیس شده است. این گروه در دو سال اخیر تحت نام "کودار" نیز در حال فعالیت است. اگر دقت نماییم، گروه پژاک مناطقی از ماکو، خوی، سلماس، اورمیه، نقده و همچنین دیگر نقاط را برای درگیری با نیروهای نظامی ایران (در اصل با نظامیان ترک آذربایجانی) انتخاب کرده است آنگاه به نقش شمال سوریه در این درگیری‌ها واقف خواهیم بود.

گروه پ.ک.ک با اغفال جوانان کرد بانام مبارزه برای آزادی خلق کرد، اما در اصل برای تأمین هژمونی گروهی خود در منطقه، این افراد را برای آموزش به عراق و سوریه فرستاده و در آنجا پس از شستشوی مغزی و تسلیح، دوباره به غرب آذربایجان اعزام می‌کند. این نیروها نیز برای انجام عملیات تروریستی، شهرهای غرب آذربایجان را برای خود مسکن برگزیده و مناطق کوهستانی را مکانی برای جولان خود قرار می‌دهند. اگر کمی از تحولات غرب آذربایجان مطلع باشیم حتماً می‌دانیم که گروه تروریستی پژاک و پ.ک.ک در منطقه سیلوانا در اورمیه، در جاسوسان سردشت و در اورامانات در کردستان تعداد زیادی کمپ دارند که از آنان برای عملیات خود استفاده می‌کنند.

اما شاید سؤالی پیش بیاید که این کمپ‌های که چیز جدیدی نیستند و از زمان‌های دور در آنجا مستقر بوده‌اند و سپاه پاسداران نیز گاه بی‌گاه آن‌ها را توپ باران (!) می‌کند پس چرا باید نگران آن‌ها باشیم؟ در این نقطه باید این‌گونه پاسخ داد که: بله در حال حاضر این فعالیت‌ها از سوی نظامیان ایران (در اصل نظامیان تورک آذربایجانی) تحت کنترل است اما نباید از یاد برد که این کنترل‌ها کافی نیست، چه آنکه با همه اقدامات وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران باز این گروه تروریستی در مواردی که اراده می‌کند توانایی بر هم زدن امنیت منطقه را دارد. از آن گذشته موضوع کنترل و توانایی نیروهای نظامی امری است گذرا، بدان معنی که تضمینی نیست که چون امروز جمهوری اسلامی در قدرت است پس در همه دوران در قدرت خواهد ماند و روبه‌زوال نخواهد رفت و سپاه و نیروی انتظامی و اداره اطلاعات هم همیشه این گروه‌ها را در کنترل خواهند داشت؛ چنین ضمانتی را به‌هیچ‌عنوان کسی نمی‌تواند بدهد.

باید باور داشت که در صورت هرگونه تحول داخلی در ایران و تضعیف حکومت مرکزی؛ که احتمال آن فراوان است؛ این گروه تروریستی با نیرویی که در شمال سوریه و عراق ذخیره نموده است به راحتی می‌تواند موجودیت ملت تورک آذربایجان را در غرب آذربایجان تهدید نموده و آنچه را که با ترکمن‌ها و عرب‌ها در تل‌ابيض نمود با ما هم تکرار نماید. از دیگر سو، آن‌گونه که بر همگان واضح است، عراق در عمل تجزیه شده و یک دولت کردی حامی پ.ک.ک از آن برآمده است، در سوریه نیز این گروه تروریستی در شمال تمام امور را در دست گرفته است، در ترکیه نیز با وجود عملیات ارتش علیه

مقاومت در غرب آذربایجان

پ.ک.ک، این گروه هنوز یک تهدید جدی بشمار می‌آید، با این اوصاف حتی اگر نیروهای نظامی ایران تمام تلاش خود را هم بکنند هیچ تضمینی وجود ندارد که دوباره به دهه ۵۰ شمسی (شورش احزاب کردی) برنگردیم و قتل‌عام دیگری مانند قتل‌عام سولدوز را تجربه ننماییم.

راه حل چیست؟

گرچه با واقعیت‌های تلخی روبرو هستیم اما وضعیت حاضر به گونه‌ای نیست که نتوانیم برای آن چاره‌ای بیندیشیم و از اتفاقات آینده پیشگیری کنیم. به صورت خلاصه باید گفت که راه چاره در دو چیز نهفته است. اول آنکه توده خلق را از آنچه وی را تهدید می‌نماید آگاه سازیم و خطرات را بدون کم و کاستی به مردمان انتقال دهیم. این باعث خواهد شد که مردم در زمان موعود با روحیه‌ای که خواص آذربایجانیان است به صورت فوری بسیج شده و سازمان دهی شوند. در این صورت می‌توان به صورت عمده‌ای جلوی زیاده‌خواهی‌های گروه‌های تروریستی را گرفت و به صورت مؤثری آنان را تضعیف کرد.

راه چاره دوم هم این است که به فرزندان، نزدیکان و برادران خود در داخل نیروهای امنیتی ایران اعم از ارتش، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، نیروی بسیج، اداره اطلاعات و همچنین کارمندان ادارات خطرات آتی را گوشزد نموده و باعث بیداری آنان شویم. و به صورت واضحی برای آنان بیان کنیم که جمهوری اسلامی و یا هر حکومت دیگری امری است گذرا، اما خاک، وطن و ملت برای همیشه خواهد ماند، چه آنکه آذربایجان و ملت آن هزاران سال است به حیاط خود ادامه می‌دهد، پس نباید کاری کنیم که وطن و خاک قربانی سیاست‌های زودگذر شود.

تورکیه نه دن پ. ک. ک ایله آتشکسه سون وئردی؟!

تورکیه نین ۷ هازیران-ایون (۱۷ خرداد) مجلس سئچکیلی چاغداش تورکیه تاریخینده بیر دؤنوم نؤقته‌سی اولاجاق ایدی. بو سئچکیلرده ایلك دفعه اؤلکه‌نین کورد آزیلیغی بیر پارته اولراق مجلسه گوردی. اوسته‌لیک ۱۰٪ سددینی آشماق بیر یانا دورسون، ۱۳٪ کیمی یوکسک بیر رأی و ۸۰ میللت وکیلی ایله یئنی دؤولتین قورولماسیندا ایشتراک ائده بیله‌جک دوروما گلدی. بیر چوخلارینا گؤره، آرتیق «باریش سورجی» میوه‌سینی وئرمک اوزره‌ایدی و تورکیه‌نین اون ایللردن بری قانایان یاراسی اولان «کورد مسئله‌سی» چؤزولمه‌یه دوغرو گئدیردی.

اوسته‌لیک بو سئچیمده آ.ک.پ و رجب طیب اردوغان دا هارداسا ۱۰٪ سس ایتیررک جدی آنلامدا انگلنتمیشدی. آ.ک.پ نین بوتون باش‌باریلاری و قوت نقطه‌لرینه باخمایارق، سون زامانلارداکی انحصارچی طرز یی چوخلارینی قایغیلاندریماغا باشلامیشدی. بو سئچیمین سونوجو بیر چوخ اوزمانلارین باخیشینا گؤره، تورکیه دئموکراسی‌سینین و دولایی‌سی ایله اوزون مدتلی منفعتلرین باشاریسی ایدی.

البته آیدین دیر کی یوروچو خسته‌لیکلریندن آرنیمیش، دئموکراتیک، گوجلو و مرفه بیر تورکیه بیر چوخلارینین یوخوسونو قاچیرار. باشدا اسرائیل و ایران اولماق اوزره، داها سونرا ایسه روسیه، عربستان و باشقا گوجلر. و دوغال اولراق ان چوخ‌دا ارمنستان، اما ارمنستانین تورکیه‌یه جدی بیر رقیب اولا بیلمیجه‌یینه گؤره بو مبحثه چوخ دا داخل دئیل.

متخصص گؤزله سون زامانلاردا تورکیه‌نین چئوره‌سینده نورمال اولمایان بیر شئیلرین باش وئردیگینی گؤروردولر.

اؤنجه کوبانی اولایی، داها دوغروسو کوبانی نومایشی، کی پ.ک.ک نین سوریه قولو پ.ی.د یه دونیادا مشروعیت قازاندیرماق نومایشیندن باشقا بیر شئی دئیلدی.

سونرا بیردن بیره دئدیله پ.ی.د تل ایبضی اله گئچیره‌رک جزیره کانتونو و کوبانی کانتونو بیرلشدیردی. بو قدر ساده و بیر دن بیره!

نه‌دن سه کوبانی‌ده کی قیشقیر-باغیر و پروپاگاندا فیرتیناسی تل ایبض ده قویمادی. سانکی داعش و پ.ی.د بیرگه حرکت ائدرک بللی بیر اماجا خیدمت ائدیله‌ر (۱).

داها سونرا مئدیادا خبر یاییلدی کی پ.ی.د ۱۰ مین دلار و توپراق قارشیلیغیندا تل ایبض ده کی تورکمن و عرب کندلرینه کورد یئرلشدیریر. چوخ ایلگینج‌دیر کی پ.ی.د و یا حتی پ.ک.ک کیمی بیر هؤرگوت بو قدر ایمکانی هاردان آلیر؟! یوخ‌سا بیرلیری می اولناری بو درجه بسله‌بیر؟!

کوردلرین سونراکی هدفی کوبانی ایله آفرین کانتونلارینین آراسیندا قالان داها چوخ تورکمن و عرب نفوسو اولان جرابلس و حلب ین قوزئی ایمییش!

یعنی پ.ک.ک اؤلکه داخیلینده باریش باریش دئییب، ۸۰ میللت وکیلی چیخاردیب، خزانه‌دن میلیونلارچا

مقاومت در غرب آذربایجان

بیرا یاردیم آلارکن بیر طرفدن تورکیه نین ایچینده ساحلی گوجلرینی اؤلکه دن چیخارتماق دان ایمتنا اندیردی بیر طرفدن ده سوریه ده تورکیه نی سیلاحلی گوجلری ایله محاصره اتمک ایله مشغول ایدی.

تورکیه دؤولتی بورایا قدر چوخ چوخ صیبرلی داوراندی، صرف بو پراوینلم حل اولسون دئییه. اما تورک دؤولتی بیر آددیم دالی اوتوردوقجا پ.ک.ک ایکی آددیم قاباغا گلدی، ائله کی آرتیق آيو رسمی داشیماق و پ پ ک پروپاگاندا سی یاقماق سیرادان بیر ایش حالینا گلیمیش دی. نتیجه ده هر دؤولتین صبری بیر یتره قدر دیر.

اصلینده هر نه قدر اؤجالان دوشدوغو دورومدان دولایی باریش ایسته سه ده قندیل هئچ واخت باریش ایسته مه دی، چونکو هم بیریلری ایسته میردیلر هم ده ساواش اولماسا ذاتا قندیل نیه لازیم؟!

بیریلری تورکیه یه قارشی کورد کارتینی چوخ یاخشی اوینادی و سونون دا تورکیه نین صبری نی داشیرماغی باشاردی. تورکیه یه سورجی بیتیریب تکرار سالا حال آپارماق دان باشقا یول بوراخمادیلار.

بلکه بو اوپئراسیونلارلا تورکیه سوریه ده بللی شئیلر قازانا جاق دیر. احتمالاً جرابلسو پ.ی.د نین اینه دوشمکدن قورتارار و اورانی تورکمنلرین ده یاردیمی ایله گووه نلی بؤلگه حالینا گتیرر، تورکمنلرین کنترولون دا اولان بیر گووه نلی بؤلگه. بو تورکیه اوچون اؤنملی بیر نائیلیت اولار. اما تورکیه نین اساس مسئله سی اولان کورد سورونوندا یئنیندن بلیرسینز بیر دؤنمه گیردی. هئچ شوبهه یوخدور کی بو دورومون قازانانی نه تورک اولاجاق دیر نه کورد، تک قازانان بؤلگه اوزرینده امپئریال حرصلری اولان گوجلر اولاجاق دیر.

(۱) گئدیشاتا باخیلیرسا و مسئله منطق لی شکل ده آنالیز اندیلیرسه داعش بیر ویا بیر نچه گوج مرکزینین میدانا گتیردی بی هر گوته بنزیر. چونکو بو هر گوتون آتدیغی هر آددیم و گوردویو هر ایش اسلام و موسلمانلارین علیه ینه و باتی لیلارین له ینه قورتولور. اؤنجکی مثاللارا و طرزینه باخیلیرسا بو داعش بیر اینگیلیس ایشینه بنزیر.

علیرضا رادفر، معاون سیاسی امنیتی استاندار آذربایجان غربی در مصاحبه خبرگزاری ایرنا گفت:

در دهه ۷۰ بیش از ۶۰۰ هزار پناهنده‌ی کرد عراقی در استان آذربایجان غربی اسکان داده شدند. وی افزود: در آن سالها، جمعیت آذربایجان غربی به دو میلیون و ۴۰۰ هزار نفر می‌رسید که با توجه به این آمار، تعداد پناهندگان عراقی، یک چهارم جمعیت استان بود.

وی اظهار کرد: سابقه میزبانی از پناهندگان در آذربایجان غربی به دهه ۵۰ بر می‌گردد که نخستین پناهندگان عراقی در این استان سکونت داده شدند.

آذربایجان غربی استانی مرزی با افزون بر ۹۶۰ کیلومتر مرز مشترک با سه کشور است که در برهه‌های مختلف پذیرای هزاران پناهنده کرد عراقی در شهرهای مختلف این استان از جمله اورمیه، اشنویه، سردشت و پیرانشهر بوده است.



تصاویر مهاجرت کردهای عراقی به غرب آذربایجان در دهه‌ی هفتاد



روزنامه آیندگان یکی از روزنامه‌های نزدیک به حزب دموکرات کردستان که خبر پناهنده شدن ۷۰ هزار کرد عراقی به آذربایجان غربی را منتشر کرده است. این روزنامه در اوایل انقلاب منشور می‌شد و در آن زمان توقیف شد.

مقاومت در غرب آذربایجان

شهرک "سرو" تنها نقطه‌ای هست که اقلیت مهاجر کرد در آنجا اکثریت قاطع داشته و اطراف شهرک را روستاهای کردنشین احاطه کرده است تردد بسیار آسان کرده‌ای جمهوری ترکیه نقطه قوتی دیگر برای تروریسم کرد شناخته می‌شود. تروریسم کرد به خوبی می‌داند که در هر بحرانی اگر بتواند گذرگاه منطقه سرو را کنترل کند بخش عظیمی از تباطو جمهوری ترکیه با ترک‌های آذربایجان قطع خواهد شد، اشراف ارتفاعات منطقه سرو به شهر اورمیه از ابعاد نظامی دست بالایی را در اختیار تروریست‌های کرد گذاشته و از سویی نیز حاشیه شمالی شهر اورمیه که اقلیت مهاجر کرد در آنجا ساکن می‌باشند می‌تواند پل ارتباطی بسیار خوبی برای گروه‌های تروریستی کرد به شمار آید. منطقه سرو و ارتفاعات آن راه‌های ارتباطی خوبی تا مرز عراق برای تروریست‌ها ایجاد می‌کند تا ترانزیت نیرو و سلاح را به راحتی انجام دهند.

اشغال یک شهرک در منطقه غرب آذربایجان توسط تروریست‌های کرد در روزهای بحرانی موفقیت روانی و سیاسی و استراتژیکی بسیاری را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد و شهر سرو و ایجاد کانتون سرو از هم‌اکنون نقل محافل هواداران تروریسم کرد شده و متأسفانه ارگان‌های امنیتی به دلایل مختلف نه تنها چشم به تبلیغات زیرکانه آن‌ها بسته، بلکه این تبلیغات را پمپاژ می‌کنند و بدبختانه نیروهای بومی شاغل در ارگان‌های انتظامی، امنیتی، نظامی و قضایی که می‌بایست در قبال دفاع از خاک مادری خود حساس باشند چشم و گوش بسته فرمان‌ها تئوریسین‌های شوونیسم فارس را اجرا می‌کنند.

تکثیر و پخش این جزوه وظیفه ملی و میهنی هر آذربایجانی است.